

عنوان مقاله:

نرخ بازده شخصی و اجتماعی آموزش و نقش آموزش (و پرورش) در اشتغال پذیری (بازار کار)

محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی توانمندی مدیریت، مهندسی صنایع، حسابداری و اقتصاد (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 33

نویسنده:

مهدی ولی بی - دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

پژوهش از نظر هدف کاربردی و جمع آوری داده های تحقیق با استفاده از شیوه مرور و مطالعه منابع کتابخانه ای انجام گرفت. بدین ترتیب با جستجوی در پایگاه های مقالات معتبر از قبیل اس آی دی، مگیران، نورمگز، پرتال جامع علوم انسانی، سیویلیکا، ایرانداک و Elsevier، JSTOR، ScienceDirect و ERIC، مقالات فارسی و عمدتاً لاتین مرتبط و مدنظر موضوع و اهداف پژوهش از حیث عنوان مسئله، روش و کاربست و ژورنال چاپ شده، در نهایت ۱۰ مقاله (۷ مقاله لاتین و ۳ مقاله فارسی) انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بدین ترتیب نتایج نشان داد که: الگوهای نرخ بازده موجود در مطالعات قبلی حفظ و تقویت شده اند، از این رو بین آموزش و میزان دریافتی افراد رابطه ی مثبت و معنی دار وجود دارد، به عبارتی آموزش دارای بازده مثبت است و با توجه به بهره وری در استفاده از منابع، صرف سرمایه انسانی، سرمایه گذاری خوبی است. مزیت و شکاف بیشتر نرخ بازده خصوصی زن نسبت به مردان، بدان معنا نیست که درآمد برای زنان بیشتر است، بلکه فقط به این معنی است که آموزش سرمایه گذاری خوبی برای زنان و دختران و اولویت توسعه است. بازده افرادی که در بخش خصوصی کار می کنند بیشتر از افرادی است که در بخش دولتی کار می کنند. این یافته موید این نکته است که در جایی که بهره وری اهمیت دارد، آموزش به رسمیت شناخته می شود. بازده اجتماعی به آموزش به دلیل یارانه دولتی آموزش و پرورش به طور کلی کمتر از بازده خصوصی است. بازده در کشورهای با درآمد کمتر نسبت به کشورهای با درآمد بالاتر بیشتر است. کم بودن و حتی منفی بودن نرخ بازدهی اقتصادی اجتماعی، سرمایه گذاری در تحصیلات عالی را می توان نشان دهنده اهمیت توجه دولت به منافع غیر اقتصادی آموزش دانست و منفی بودن این نرخ به مفهوم صورت نگرفتن سرمایه گذاری در این دوره ها نیست، بلکه مسئله این است که جامعه از فارغ التحصیلان این مقاطع به خوبی استفاده نمی کند. تفاوت عمده ای میان تخمین های بازده در مدل یک سطحی و دو سطحی مشاهده شد. مزیت بازار کار برای مهارت های حرفه ای با افزایش سن کاهش می یابد و در سن تقریباً ۵۰ سالگی، شایستگی اشتغال فارغ التحصیلان مدارس حرفه ای به صفر می رسد. فارغ التحصیلان دبیرستان حرفه ای با تحصیلات عالی از نظر اشتغال و دستمزد نسبت به کسانی که تحصیلات عالی ندارند عملکرد بهتری ندارند. تفاوت های اساسی در برنامه درسی و نتایج بازار کار بین سیستم های آموزشی آموزش حرفه ای مبتنی بر کار و آموزش حرفه ای مبتنی بر مدرسه وجود دارد. به نظر می رسد سرمایه گذاری در آموزش عمدتاً در تحریک دستیابی به نتایج مثبت (اشتغال، درآمد) در بازار کار و کمتر در کاهش نتایج منفی (بیکاری) تأثیر مستقیم دارد.

کلمات کلیدی:

آموزش، نظریه سرمایه انسانی، نرخ بازده شخصی و اجتماعی، بازار کار و اشتغال پذیری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1691480>

